

گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش «من و گربه پری»

انسان امروز در قفس



شهره سلطانی پس از ۸ سال با نمایش «من و گربه پری» به نویسندگی سیمین امیریان به تئاتر شهر بازگشته و با دست گذاشتن روی یکی از دغدغه‌های انسان و زندگی امروزی‌اش به بحث تنهایی و تعامل انسان با حیوانات در زندگی مدرن پرداخته است. زندگی ساسان و پری زن و شوهر به ظاهر خوشبخت نمایش با ورود گربه دچار چالش‌های متعددی شده و زوایای پنهان مشکلات از تباطوی آنها هر لحظه بیشتر نمایان می‌گردد. این نمایش که نقش‌های اصلی آن را مجتبی رجبی معمار، بهروز پناه‌نده و شهره سلطانی ایفا می‌کنند مورد توجه حامیان حقوق حیوانات نیز قرار گرفته است. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

مریم عظیمی
گفت‌وگو

شهره سلطانی کارگردان و بازیگر:

نمی‌خواستم با فرم‌های پیچیده مخاطب را گمراه کنم

آشنایی شما با این متن و همکاری با نویسنده آن چگونه صورت گرفت؟

آشنایی من با این متن و همکاری با خانم سیمین امیریان که نویسنده نمایشنامه «من و گربه پری» هستند به چندین سال قبل برمی‌گردد. البته سالیان سال است که من ایشان را می‌شناسم و همکاری‌ام با او همواره همراه با احترام بوده است و کارهای ایشان را دنبال می‌کردم. اما حدود ۶ سال پیش خانم امیریان عزیز این نمایشنامه را به من دادند و پس از خواندن نمایشنامه از ایشان خواستم تا اجازه بدهند که نمایشنامه را کار کنم.

جذابیتی که متن برای شما داشت چه بود؟

از آنجایی که سالیان سال است تلاش می‌کنم تا در حوزه حقوق حیوانات و در ارتباط با دیده شدن و نادیده نگرفتن حیوانات فرهنگ سازی کنم این متن از این منظر برای من جذابیت داشت اما فقط این نبود و واقعیت این است که زیر لایه‌های متن که در واقع به روابط انسان‌ها و در واقع به اساس خانواده می‌پردازد نیز برای من بسیار مهم بود. اینکه یک متن روانشناختی بود که در نهایت تلنگری به مسائل انسانی و به فرهنگ و بنای یک جامعه که باید مهربانی را رواج دهد میزد فرهنگی که شروع و منشاء آن به گفته گاندی از نحوه برخورد با حیوانات و کودکان آغاز می‌شود. همه اینها دلالی بود که سبب شد این متن را انتخاب کنم و همیشه دوست داشتم تا این فرصت را داشته باشم و بتوانم این متن را کار کنم.

چالشی که در طرح کارگردانی با آن روبرو بودید چه بود؟

این نمایشنامه یک متن سخت است و ساده‌ترین کاری که می‌توانستیم بکنیم این بود که به دلیل حضور گربه روی صحنه از یک عروسک استفاده کنیم یا اینکه نریشنی وجود داشته باشد و صدای کاراکتر پخش شود یا اینکه باز یگر دیگری نیز برای نقش گربه روی صحنه بیاوریم. مورد دیگری که روی صحنه آوردن متن را سخت می‌کرد این بود که نمایشنامه رئال نیست و من از همان ابتدا مدام به این فکر می‌کردم که چکار می‌توانم بکنم و ایده و طرح‌هایی به ذهنم می‌رسید اما در نهایت اثر را با این ایده اجرایی نمایش روی صحنه آوردیم و تا اینجا فکر می‌کنم که خطایی نکرده‌ایم. در واقع ابتدا به ساکن من فقط تصمیم گرفته بودم تا این نمایشنامه را کار کنم اما زمانی که کار را آغاز کردم تمام ایده‌هایی که داشتم را به کناری گذاشته و در روند کار به ایده‌های اجرایی دیگری رسیدم.

در طراحی صحنه از اشکالی با زوایای تیز و خطوط مورب استفاده شده و فضایی مدرن و امروزی القا می‌شود. از همکاری با شیوا حسینی طراح صحنه کار بگویید.

من سابق بر این نیز با ایشان چه در سریال‌هایی که ساختم و چه در زمینه آثاری که در تئاتر کارگردانی کردم همکاری داشتم. ما رابطه بسیار نزدیکی با هم داریم و روحیات یکدیگر را بسیار خوب می‌شناسیم. ایشان معماری و شهرسازی خوانده‌اند، گرافیکست و نقاش و در واقع یک هنرمند چند بعدی هستند که خیلی خوب اشکال و رنگ‌ها را می‌شناسند. زمانی که با ایشان در مورد متن و ایده اجرایی صحبت کردم به خوبی متوجه شدند که دلم می‌خواهد در طراحی صحنه به چه سمت و سویی برویم و با توجه به اسم نمایش و فحوای کلام این نمایش این طراحی را انجام دادند. این حالت تیز که بسیار مدرن است حالتی از گوش‌های گربه را نیز به ما القا می‌کند و همانگونه که در فضای نمایش نیز دیده می‌شود ما در طراحی صحنه و نور به سمت اکسپرسیونیسم رفتیم و همه چیز در راستای تفکر و ایدئولوژی کار بود.

زبان نمایشنامه ساده و روان است و در طرح کارگردانی نیز این سادگی دیده می‌شود. آیا نرفتن به سمت فرم‌های پیچیده

در تئاتر برای کارگردان ریسک ایجاد می‌کند؟

یک اصطلاحی وجود دارد که می‌گوید پیچیدگی در سادگی است. خود من هم آدم ساده‌ای هستم و تلاش کرده‌ام چه در پوشش و چه در نوع صحبت کردنم مانند مصاحبه‌ای که با هم داریم از الفاظ عجیب و غریب استفاده نکنم و به سادگی تمام، آنچه که می‌خواهم را بیان کنم و منظورم را برسانم. بنابراین در این اجرا تمام تلاشم را کردم تا آنچه که در پیام نمایش جا دارد به ساده‌ترین شکل ممکن گفته شود. من در نمایش‌های پیشینم در کارگردانی و طراحی صحنه از فرم‌های پیچیده بنا به ضرورتی که حس می‌کردم استفاده کردم اما در این نمایش دلم نمی‌خواست کارهای عجیب غریبی انجام دهم بنابراین چه در بازی و چه در کلام و ادبیات و صحنه خیلی مینیمال و ساده پیش رفتیم. البته این انتخاب‌ها به خاطر این نبود که می‌خواستیم ریسکی انجام دهیم بلکه فکر می‌کردم نیازی به شکل دیگری وجود ندارد. به نظرم خود نمایش به اندازه کافی کشش دارد و آن تلنگر کافی را می‌زند و نیاز نیست که من بخواهم به سمت و سویی بروم تا تاثیر آن را با فرم‌های عجیب و غریب بیشتر کنم. وقتی من می‌خواهم که پیامم برای هر قشری از مخاطبان مفهوم باشد و دریافتش کنند چرا باید کارهای عجیب و غریبی انجام بدهم که تماشاچی نمایشم را گمراه و او را از مسیر اصلی خارج کند و به سمت و سویی ببرد که پیام اصلی نمایش را دریافت نکند. برای من اهمیت داشت که انسان‌ها از هر قشری که به تماشای این تئاتر بنشینند به راحتی متوجه پیام آن شده و دست پر از سالن نمایش خارج شوند.

در زمینه پرداخت نمایش به تنهایی انسان امروز و مسئله حقوق حیوانات چه بازخوردهایی داشتید؟

بله انسان امروز تنهاست و ما علی‌رغم اینکه مدام از فرهنگ و تمدنمان سخن می‌گوییم روز به روز از آن فاصله گرفته و به سمت

نوعی ادا می‌رویم و آنچه که ادعایش را داریم را انجام نمی‌دهیم. باید ببینیم که چه بر سر حیوانات آورده‌ایم، به خاطر رفتار غلط ما حیوانات از خانه، زندگی و طبیعت خودشان دور شده‌اند و حالا ما مسئولیتشان را هم نمی‌خواهیم بر عهده بگیریم، این‌ها همه چیزهایی است که برای من حائز اهمیت بود. خدا را شکر در سال‌های اخیر قشر وسیعی از انسان‌ها به این جریانات پرداخته و سعی کردند بیشتر فرهنگ سازی کنند. بنابراین انسان‌ها در این زمینه هوشیارتر شده‌اند. اما به نظرم همچنان نیاز به فرهنگ سازی در این زمینه داریم. خدا را شکر من بازخوردهای بسیار خوبی دریافت کردم و آن تلنگری که باید چه در کامنت‌هایی که بعد از نمایش می‌گیرم و چه در سخنان افرادی که با من تماس می‌گیرند دیده می‌شود. اینکه می‌بینم مخاطب به این آگاهی که از طریق نمایش ایجاد شده اشاره می‌کند برایم جای خوشحالی دارد.

سخن پایانی

خوشحالم که این فرصت را پیدا کردم تا بعد از ۸ سال دوباره در تئاتر شهر جایی که همیشه دوستش داشته‌ام، جایی که تئاتر شهر ماست و از خشت به خشت و آجر به آجرش خاطره دارم اجرا می‌کنم. آنقدر آثار بزرگی در سالن‌های تئاتر شهر اجرا شده و آنقدر بزرگان زیادی در سالن‌ها، راهروها و اتاق‌هایش رفت و آمد کرده‌اند که وقتی در تئاتر شهر حضور پیدا می‌کنم گویی همه آن انسان‌ها را می‌بینم و به خاطرات اولین اجرای خودم که در همین سالن چهارسو بود باز می‌گردم. اما دلم می‌خواهد به موضوعی که رویش دست گذاشته‌ایم، موضوعی که برایش تلاش کرده‌ام و یکی از دغدغه‌های من است، بیشتر پرداخته شود و مخاطبان بیایند و ببینند تا این نمایش بیشتر دیده شود چرا که فکر می‌کنم لازم است تا این مهم به گوش همه برسد و جامعه ما به این فرهنگ سازی نیاز دارد. در نهایت خوشحالم